

سَرو و ماه

لاله جعفری
تمویرگر: سارا نارستان



سَرو و ماه هَمسایه بودند.



شب که می شد، ماه می آمد،

با سَرو بازی می کرد.

یک شب ماه نیامد.

سَرو گریه کرد. پَنج تا بَرگش ریخت روی زمین.



باد، پَنج تا بَرگ را خِش خِش بُرد پیشِ ماه.

ماه خِش خِش را شنید. بیدار شد.

دوید پیشِ سَرو. او را پَنج تا بوسید.

